

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

مسئله ششم را بر حسب آنچه که در تحریر الوسیله مرحوم امام آمده تمام کردیم که مسئله مفصلی بود و فروع و مباحثی داشت که اگر صبی قبل از مشعر بالغ بشود، ما (همانند مشهور) قائل شدیم به این که مجزی از حجة الاسلام است. در ادامه به بررسی مسئله هفتم خواهیم پرداخت.

مسئله هفتم

امام خمینی (قدس سره) در این مسئله می فرماید: «لو مشى الصبی الى الحج فبلغ قبل أن یحرم من المیقات و كان مستطیعاً ولو من ذلك الموضع فحجّه حجة الاسلام»^[1]. این مسئله در عروه مرحوم سید به عنوان مسئله هشتم مطرح شده است. سید (قدس سره) هم می فرماید: «إذا مشى الصبی الى الحج فبلغ أن یحرم من المیقات و كان مستطیعاً فلا اشکال فی أن حجه حجة الاسلام»^[2]. مسئله بسیار روشن است و مرحوم خوئی می فرماید: «هذا من جملة الواضحات»^[3].

مسئله این است که اگر صبی به سمت حج برود، قبل از آن که در میقات محرم شود همان جا بالغ شد (حال یا از طریق احتلام یا دقیقاً سنّ خودش را محاسبه می کند و آن روزی که می خواهد محرم شود می فهمد که الآن بالغ شده، یا علائم دیگر)، و فرض کنیم همان جا مستطیع هم هست هر چند در شهرش مستطیع نبوده، اما در آنجا مستطیع است، روشن است که این حجّش حجة الاسلام است.

به بیان دیگر، کسی قبل از میقات بالغ نبوده و قبل از میقات در مدینه (فرض کنید در مسجد شجره) قبل از این که محرم شود بالغ شد، این بحثی ندارد که اگر مستطیع باشد از حال به بعد باید نیت وجوبی کند و حجّش حجة الاسلام است؛ زیرا از ابتدای احرام تمام شرایط حجة الاسلام را دارد، بلوغ، استطاعت و سایر شرایط مثل عقل و حریت را هم دارد. حال مجرد اینکه در مقدمات، صبی بوده اخلاقی به حجّش وارد نمی کند.

از این رو، محقق خوئی (قدس سره) می فرماید: «هذا من جملة الواضحات و یشمله عمومات وجوب الحج و مجرد اتیان المقدمات حال الصغر غیر ضائر فی احتساب الحج عن حجة الاسلام»؛ این که مقدمات در حال صغر آورده شده، ضربه ای به حجة الاسلام او وارد نمی کند.

محقق خویی(قدس سره) در ادامه می‌فرماید: مناسب این بود که به جای این که مرحوم سید و دیگر بزرگان، این مسئله را که یک مسئله واضحی است در اینجا متعرض شوند، يك فرع دیگری را مطرح می‌کردند و آن این است که: «لو بلغ بعد الاحرام و قبل الشروع فی الاعمال»؛ اگر صبی پس از آن که به مسجد شجره رفته و محرم شد، در مکه قبل از شروع در طواف بالغ شد.

ایشان می‌فرماید البته فقها درباره استطاعت این را مطرح کردند که اگر کسی مستطیع نبود و به عنوان يك حج مستحبی محرم شد يك ساعت، دو ساعت بعد الاحرام به او گفتند پدرت به رحمت خدا رفته و اموال زیادی به تو رسیده و مستطیع شد، قبل از شروع در اعمال و بعد الاحرام اگر مستطیع شد حکمش چیست، اما در اینجا در بحث حج صبی مناسب این بود که بگویند: «اذا بلغ بعد الاحرام و قبل الشروع فی الاعمال».

محقق خویی(قدس سره) در همین مسئله‌ای که مطرح می‌کند (که اگر کسی بعد الاحرام و قبل الشروع فی الاعمال محرم بشود)، سه احتمال دادند:

1) احتمال اول این است که این حج چون به نیت استحبابی بوده، تا آخر هم مستحبی است و این حج دیگر حجة الاسلام واقع نمی‌شود و سال بعد اگر مستطیع بود باید حجة الاسلام انجام بدهد.

2) احتمال دوم این است که این صبی که بعد الاحرام بالغ شده، «ینقلب حجّه إلى حجة الاسلام»؛ این حجّش می‌شود حجة الاسلام و از حال به بعد هم حجة الاسلام را نیت کند.

3) احتمال سوم این است که بگوئیم باید به میقات برگردد و دوباره به عنوان حجة الاسلام محرم شود.

ایشان می‌فرماید: دلیلی نداریم بر این که در اینجا مسئله انقلاب را مطرح کرده و بگوئیم خود این حج منقلب به حجة الاسلام. این که بگوئیم ندباً تمام کند، این هم وجهی ندارد و فقط يك دلیل دارد و آن این که: «المحرم ليس له أن يحرم ثانياً»؛ دلیلش این است که می‌گوئیم محرم نباید دو مرتبه محرم بشود که ایشان این دلیل را نیز رد کرده و می‌فرماید حرف ما این است که وقتی بعد الاحرام بالغ می‌شود یا بعد الاحرام مستطیع می‌شود، این بلوغ یا این استطاعت کشف از این می‌کند که احرام از ابتدا باطل بوده است.

ایشان يك مؤیدی می‌آورد و آن این است که: «لو علم حال الاحرام بأنه يبلغ بعد يومين»؛ اگر کسی دارد محرم می‌شود یقین دارد بعد از یکی دو روز بالغ می‌شود، «ليس له أن يحرم و هو صبي»؛ این شخص به عنوان صبی نمی‌تواند محرم بشود.

خلاصه آن که محقق خویی(قدس سره) در اینجا به بیان سه مطلب می‌پردازد:

مطلب نخست: از میان این احتمالات سه‌گانه، احتمال سوم را اختیار می‌کند (احتمال سوم آن است که شخص به میقات برگردد و مجدداً به عنوان حجة الاسلام محرم شود و حجّش را انجام بدهد).

مطلب دوم: می‌گویند بلوغی که بعداً حاصل می‌شود، کاشفیت از این دارد که این احرامی که ابتدا بسته، به عنوان احرام صبی باطل بوده است، منتهی ایشان دلیلی بر این مطلب نمی‌آورد و گویا این را يك امر روشنی می‌خواهند قرار دهند. بنابراین، بلوغی که بعداً محقق می‌شود، کاشف از این است که این احرام فاسد است.

مطلب سوم: مؤیدی است که ایشان می‌آورد که اگر یکی دو روز یا يك ساعت بعد بالغ می‌شود، دیگر نمی‌تواند به عنوان صبی محرم شود و ظاهر عبارت ایشان این است که این شخص، باید به عنوان بالغ محرم شود.

ایشان در پایان فرع دیگری را نیز مطرح می‌کند: «لو دخل فی افعال العمره و اتمّها ثم بلغ»؛ اگر کسی عمره تمتعش را در حال صبی بودن انجام داده و تمام کند و قبل از آن که مسئله حج تمتع را شروع کند بالغ شود، «يجب عليه الرجوع إلى الميقات و اتيان العمره ثانياً»؛ دوباره باید عمره را انجام دهد.^[4]

اشكال والد معظم (قدس سره) بر مرحوم خویی

مرحوم والد ما در اشكال به ایشان می‌فرماید این مطلبی که شمای مرحوم خوئی در اینجا بیان می‌کنید با آن مسئله هفتم که مرحوم سید ذکر کرد چه تفاوتی دارد؟! مرحوم سید در مسئله قبل فرمود اگر صبی قبل المشعر بالغ شود، حجّش مجزی از حجة الاسلام نیست.

مرحوم والد می‌فرماید: «فإن عمدة مستند الحكم بالاجزاء فيه هو الروایات الواردة فی اعتناق العبد»، در مسئله قبلی که قبل المشعر اگر صبی بالغ بشود، مهم‌ترین دلیلش روایات اعتناق عبد است و در آنجا گفتیم در مورد بلوغ صبی، قبل از مشعر روایت نداریم، بلکه از روایات اعتناق عبد (که اگر عبد قبل از مشعر آزاد شد و مولا آزادش کرد، اینجا حجّش مجزی از حجة الاسلام است)، مشهور الغاء خصوصیت کرده و گفتند صبی نیز قبل از مشعر اگر بالغ شد، حجّش مجزی از حجة الاسلام است.

بعد می‌فرماید: «و هو یصرح فی مسئله العبد التي تعرض لها بعد صفحات بعموم روایات العبد و شموله لحجّ التمتع ایضاً من جهة»؛ اولاً اگر کسی بگوید مرحوم خوئی این را فقط در حج قران و افراد قبول دارد، در نتیجه این فرع جدید می‌شود؛ چون در حج تمتع سخن گفته و ایشان این فرع را اینجا مطرح می‌کند، لیکن خود مرحوم خوئی تصریح کرده این روایات عمومیت داشته و هم شامل حجّ قران و افراد می‌باشد و هم شامل حج تمتع و فرقی از این جهت نمی‌کند.

در ادامه می‌فرماید: «بأن المستفاد من اطلاق النصوص عدم الفرق بین حصول الحرية قبل الشروع فی اعمال الحج و حصولها فی اثناء العمره و بین حصول الحرية بعد العمره و قبل الموقف بمدّة يسيرة»؛ این روایات عبد که می‌گوید قبل المشعر اگر آزاد شد، اطلاقش فرقی نمی‌گذارد که حریت قبل از شروع در اعمال حج باشد یا در اثناء عمره باشد، اصلاً فرقی نمی‌کند و تمام این موارد را شامل می‌شود.

«فإن المیزان فی الاجتزاء كونه حراً فی أحد الموقفين سواء حصلت الحرية فی اثناء العمره ام بعدها قبل أحد الموقفين»؛ میزان در کفایت این حجة الاسلام، آن است که در یکی از این دو موقف یعنی عرفات یا مشعر حر باشد. وقتی در مورد عبد قضیه این چنین است و مسئله صبی را هم ملحق به عبد کردید و از روایات عبد الغاء خصوصیت کردید، پس باید در ما نحن فيه نیز حکم همین باشد و این يك فرع جدیدی نیست.

بعد می‌فرماید: «فإذا كان هذا حال العبد و الملاك هو حصول الحرية فی أحد الموقفين فيكون حال الصبی ایضاً كذلك؛ لأنه لا فرق بينهما»؛ اگر در عبد گفتیم در اثناء عمره یا بعد العمره در اثناء حج آزاد شد، ملاک قبل الموقفين است، در صبی هم چنین فرقی نمی‌کند، «إلا أن يستثنى من حكم العبد خصوص ما إذ اعتق بعد الاحرام و قبل الشروع فی اعمال العمره فی حجّ التمتع و من الواضح انه لا وجه لهذا الاستثناء»؛ مگر کسی بگوید در عبد این استثنا وجود دارد که اگر بعد الاحرام، قبل از شروع در اعمال عمره تمتع آزاد شد اینجا کفایت می‌کند، ولی این در صبی نیست، منتهی وجهی برای استثنا نداریم؛ زیرا ضابطه‌ای که از روایات استفاده می‌شود، این است که این شخص با حالت حریت أحد الموقفين را درک می‌کند.

خلاصه آن که، مرحوم والد ما به محقق خوئی (قدس سره) می‌گوید اگر مستند شما در مسئله صبی همان روایت عبد است فرقی وجود ندارد، همان‌گونه که در روایت عبد عمومیت قائلید (و می‌گوئید اگر بعد از احرام و قبل از شروع در اعمال هم عبد آزاد شد این حجة الاسلام است) در صبی هم همین وجود دارد، چرا شما در صبی مسئله بطلان را مطرح کردید و این که باید مجدداً به میقات برگشته و مجدداً محرم شود؟!

و اگر مستند شما آن روایات عبد نیست، بلکه روایاتی است که می‌گفت «من ادرك المشعر فقد ادرك الحج» و میزان ادراك مشعر است (چه عرفات را درك کند و چه درك نکند)، پس این میزان در مورد صبی که بعد الاحرام و قبل از شروع در اعمال عمره، بالغ می‌شود نیز وجود دارد.

ایشان در پایان می‌نویسد: «و مما ذكرنا يظهر الخلل فيما افاده من كون البلوغ المتأخر، كاشفاً عن بطلان بإحرام المتقدم أو العمرة المتقدمه»؛ ما از این مطالبی که گفتیم روشن می‌شود که یا مستند، روایات عبد است و یا روایات ادراك مشعر است، هر کدام باشد این حجّ و احرامش صحیح است.^[5]

لذا اینکه شما مرحوم خوئی می‌فرمائید این بلوغ کاشف از بطلان احرام است یا کاشف از بطلان عمره متقدم است، ما وجهی برای این نداریم و اینکه مرحوم خوئی می‌فرماید: اینجا يك فرع جدیدی است و هم به مرحوم سید اعتراض کرده و هم به دیگران (که چرا این فرع جدید را اینجا مطرح نکردند)، مرحوم والد ما می‌فرماید ما فرع جدید نداریم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] تحرير الوسيلة، ج 1، ص: 372.

[2] العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج 2، ص: 424.

[3] موسوعة الإمام الخوئی، ج 26، ص: 35.

[4] «و كان على المصنف (قدس سره) و غيره ممّن تعرّض لهذه المسألة أن يذكروا ما لو بلغ بعد الإحرام و قبل الشروع في الأعمال، و أنه هل يتم ذلك ندباً، أو حين البلوغ ينقلب إلى حجة الإسلام فيعدل إليها، أو يستأنف و يحرم ثانياً من الميقات؟ و إنما تعرضوا لحدوث الاستطاعة بعد الإحرام مع أن المسألتين من باب واحد. و كيف كان فالإكتفاء بالإحرام الأوّل بدعوى انقلاب حجة إلى حجة الإسلام لا دليل عليه. و أمّا إتمامه ندباً فلا وجه له إلّا ما قيل: من أن المحرم ليس له أن يحرم ثانياً، و هذا واضح الدفع، فإن الإحرام الأوّل ينكشف فساده بالبلوغ المتأخر و الاستطاعة الطارئة، و لذا لو علم حال الإحرام بأنه يبلغ بعد يومين مثلاً، أو يستطيع بعدهما، ليس له أن يحرم و هو صبي، فلا بدّ من إعادة الإحرام، و يرجع إلى الميقات و يحرم إحرام حجة الإسلام، و هكذا لو دخل في أفعال العمرة و أتمها ثمّ بلغ، فإنه يجب عليه الرجوع إلى الميقات و إتيان العمرة ثانياً إذا وسع الوقت، فإن البلوغ أو الاستطاعة يكشف عن بطلان ما أتى به من الإحرام أو العمرة، فتشمله عمومات وجوب الحجّ من الآية و الرواية.» موسوعة الإمام الخوئی؛ ج 26، ص 36.

[5] «أقول لم يظهر لي كون هذا الفرع فرعاً جديداً مغايراً لما وقع التعرض له في المسألة السادسة المتقدمة و هو ما إذا بلغ الصبي و أدرك المشعر فإن عمدة مستند الحكم بالاجزاء فيه هو الروايات الواردة في اعتناق العبد و هو يصرح في مسألة العبد التي تعرض لها بعد صفحات بعموم روایات العبد و شموله لحج التمتع أيضاً من جهة و بان المستفاد من إطلاق النصوص عدم الفرق بين حصول الحرية قبل الشروع في اعمال الحجّ و حصولها في أثناء العمرة و بين حصول الحرية بعد العمرة و قبل الموقف بمدة سيرة- مثلاً- فان الميزان في الاجتزاء كونه حراً في أحد الموقفين سواء حصلت الحرية في أثناء العمرة أم بعدها قبل أحد الموقفين. فإذا كان هذا حال العبد و الملاك هو حصول الحرية في أحد الموقفين فيكون حال الصبي أيضاً كذلك لانه لا فرق بينهما الا ان يستثنى من حكم العبد خصوص ما إذا اعتق بعد الإحرام و قبل الشروع في اعمال العمرة في حج التمتع و من

الواضح انه لا وجه لهذا الاستثناء بعد كون الضابط ما ذكر خصوصا بعد تصريحه هنا بأنه إذا بلغ بعد إتمام العمرة يجب عليه الرجوع الى الميقات للإتيان بالعمرة ثانيا و ان كان مستند الحكم بالاجزاء فى الصبى هى الروايات الدالة على ان من أدرك المشعر فقد أدرك الحج فقد عرفت ان مقتضاها أن إدراك المشعر و ان كان مقرونا بفوات عرفات يوجب إدراك الحج فالميزان هو إدراك المشعر سواء أدرك الوقوف بعرفات أم لا و من المعلوم تحققه فى المقام لا لان له خصوصية بل لانه من مصاديق الفرع المتقدم. و مما ذكرنا يظهر الخلل فيما افاده من كون البلوغ المتأخر كاشفا عن بطلان الإحرام المتقدم أو العمرة المتقدمة فإنه لم يقم دليل على هذا الكشف بعد وقوع العمل صحيحا و اجزائه عن حجة الإسلام بناء على مذهب المشهور القائل بالاجزاء فى تلك المسألة. و بالجملة لم يظهر لنا أصلا ان هناك يكون فرعا جديدا غير الفرع المتقدم فتدبر جيدا.» تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيلة – الحج؛ ج1، ص: 73-74.